

عنوان دارنامه کار تجدید نظر شده Revised Program (Action) در سال ۱۹۸۲ صرفاً ابزار داشته‌اند که این نوسانات نرخ ارز صعدهات زیادی بطور اخص به کشورهای درحال توسعه وارد نموده‌اند.

علاوه بر نوسانات زیاد نرخهای ارز، انحراف این نوسانات از مسیر مشخص نیز زیادهای در همراه داشته است. برخلاف انتظار، این انحرافات و عدم تعادل، با برقراری سیستم نرخهای شناور برطرف نشده، بلکه در طول دوره برقراری این سیستم اکثراً مشاهده شد. استیجاب سالیانه اخیر نشان می‌دهد که قسمت عمده‌ای از نگرانیهای مربوط به نحوه عملکرد سیستم نرخهای شناور در ارتباط با افزایش قابل توجه در ارزش دلار آمریکا نسبت به دیگر ارزهای عمده و در نتیجه افزایش گسری سبهای جاری آمریکا است. بطور مثال طی سالیهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ ارزش دلار آمریکا نسبت به مارک آلمان غربی حدود ۲۴ درصد بطور واقعی تری نمود. در نتیجه قدرت رقابت تولیدات آمریکا به میزان قابل توجهی کاهش یافته و این امر موجب کاهش تقاضا برای تولیدات آمریکا شد. در حالیکه وضعیت پرداختهای آمریکا، چنین افزایش شدید و ناگهانی در نرخ میلارد دلار نسبت به مارک آلمان را نیز نمی‌نماید. برعکس تضعیف سبهای تجارت آمریکا و تقویت شدید وضعیت تجارت آلمان و ژاپن، می‌بایست موجب تضعیف دلار بشود. دلار شعیفتر می‌نوساند قدرت رقابت تولیدات آمریکا را افزایش داده و موجب تحریک عوامل اصلی در تعیین ارزش پول گردد.

اما این نوسانات بواسطه عدم تعادل تقاضای برای داراییهای خارجی، تاخیر اقتصاددانان افزایش ارزش دلار موجب آزادماندگی دلار، افزایش دیگر شد. اما ادامه این افزایش در حالیکه موافقت تجاری آمریکا بود و در خاست بود. خطر جدی اعمال سیاستهای حمایتی تجاری از طرف آمریکا با همه همراه داشت. در مقابل، فشارهای زیادی برای اعمال سیاستهای نفعی گویانه از طرف کشورهای دیگر به وجود آمد. که بر افزایش نشانگر کاهش حجم تجارت بین المللی درآیند خواهد بود. بالا بودن نرخهای واقعی بهره، به همراه تقویت شدید دلار موجب شد تا فرایند رونق اقتصادی در اروپا و ژاپن کند شود. از آنجا که قسمت عمده بدهیهای خارجی کشورهای در حال توسعه، در صورت دلاری بود، تقادم افزایش ارزش دلار آثار مثبتی بر برونر کشورها داشته و در نتیجه موجب بروز انقباض درکل تقاضای داخلی گردید (Contractary Wealth Effect). افزایش اخیر نرخها خود اگر گفته شود، گسترش بهره بیش از حد بالا به همراه دلار نوری، موجب کاهش نرخ سود اقتصادی آمریکا و دیگر کشورهای جهان، بخصوص به کشورهای جهان سوم که در تنگنای ناشی از کمبود نسبی دلار، در پی صادرات خود از بانه طرف و افزایش هزینه بازپرداخت بدهیهای خود از طرف دیگر گرفتارند، شد.

این تحولات اخیر در وضعیت اقتصاد جهانی به وضوح نشان می‌دهد که انحراف نرخ تبادل واقعی یکی از ارزهای عمده از سطحی که برای رقابت در میان مدت ضروریست، می‌تواند عامل اصلی در تضعیف اقتصادی در شرایط به معطایر افکت و موجب بروز شوکهای اقتصادی سریع که به دنبال آن منحنی تقاضای داخلی افتد. آمد ایجاد هزینه‌ها، فرسودگی برای تعدیل و تثبیت اقتصادی، افزایش بیکاری از سطحی که کالاهای صادراتی تولید می‌نمایند، و تشویش سیاستهای حمایتی تجاری (Protectionism) شود. برعکس می‌توان دید که این انحرافات و عدم تعادلهایی که در نرخ ارزهای عمده در دوره اخیر مشاهده می‌شود در ارتباط با سیاستهای اقتصادی متفاوتی از طرف کشورهای صنعتی بدون کوچکترین توجهی به اثرات این سیاستها بر برونرهای این اشخاص می‌شود. قرار دارند با در نظر گرفتن عملکرد سیستم تعاقب نرخهای صادراتی می‌توان گفت که این سیستم در فراموش آنچه که در بخش بک از ماه ۱۹۷۷، استیجابات صندوق آموخته می‌شود: چهارچوبی که میلارد دلار، در تمام و سرمایه را در بین کشورهای تسهیل نموده و بتواند رشد مداوم و ثبات در سیستم اقتصادی جهانی را تضمین نماید مؤلفی نباشد.

نمونه چنین شرایطی به داد هلندی می‌باشد. برای نمونه کلاوا واقع است که سیستمی که در آمریکا می‌تواند در سال ۲۰۰ میلیارد دلار ارزش ناماد ایجاد نماید. توافق مربوط به سیستم مربوط به اصلاح سیستم، چندجمله‌ای مربوط به سیستم نرخ ارز با ثبات و شفافیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نارسیایی‌های

سیستم مالی بین المللی

درس‌های دهه هشتاد

ترجمه از: ف. رحمانی

مقاله حاضر ترجمه فصل دوم از گزارشی است که برای هشتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتحد در سپتامبر ۱۹۸۶ (حرار - ژسپایوه) تحت عنوان «تقاضاهای جهانی در اواسط دهه ۸۰» و توسط ارگانی به نام «سیستم تحقیق و اطلاعات برای غیرمتحدها و سایر کشورهای درحال توسعه» تهیه شده است و در آن عملکرد و نارسیایی‌های سیستم کنونی نرخهای ارز، ناهماهنگی سیاستهای مالی کشورها، ویژگیهای سیستم ذخایر و نقدینگی بین المللی و دورنمای میان مدت دسترسی کشورهای درحال توسعه به بازارهای سرمایه مورد بحث قرار می‌گیرد.

بسیار کم بود. بطور متوسط ۰/۲ درصد اما در سیستم نرخهای شناور، نوسانات بطور معمول بسیار زیاد است. سیستم متوسط دلار درصد مشابه یکی که از دو دوره فوق توسط صندوق بین المللی پول (IMF) به عمل آمده نشان می‌دهد که متوسط تغییرات ماهانه نرخهای ارز برای تمامی اقسام صندوق چهار برابر و برای گروه کشورهای صنعتی دو برابر افزایش یافته است. مطالعات انجام شده توسط Williamson نیز نشان می‌دهد که نوسانات نرخ ارز، بعد از برقراری سیستم نرخهای شناور بیش از حد، برابر افزایش یافته است. نکته قابل توجه دیگر این است که با افزایش تجارت بازار در رابطه با سیستم نرخهای شناور، این نوسانات بجای اینکه نسبت به سالیهای اول برقراری این سیستم کاهش یابند، افزایش یافته‌اند این مسئله با نتایج مطالعات Karmann, Rodrik و Agyei نیز مطابقت دارد. باید اضافه نمود که این نتایج نه تنها در دوره ارزهای کشورهای توسعه یافته بلکه در دوره ارزهای کشورهای درحال توسعه نیز صادق است. نوسانات وسیع و نامنتظم در نرخ میلارد ارزها، باعث بروز عدم تعادلی نسبت به تغییرات نرخهای ارز در ابتدای دهه ۸۰ شده است. تجارت مورد بحث می‌دهد که این عدم تعادل به جهت تغییرات نرخهای ارز در حال توسعه طعمه وارد نموده است. علاوه بر عدم تعادلیت بک بازار تضمینی برای معاملات از بصورت سلف، (۳) تجارت و سرمایه گذاری خارجی را در این کشورها بیشتر در معرض صعدهات ناشی از تغییرات نرخ ارز قرار داده است. از طرف دیگر، نوسانات بین نرخهای ارز کشورهای صنعتی با سهام عمده‌ای اقتصادی را در کشورهای درحال توسعه بسیار تشدید نموده است. زیرا این مسئله آنان را ناچار به انتخاب بین تثبیت نرخهای تسعیر (۲) مقرر خود (که در شرایطی در سطح اقتصاد کلان را به حداقل می‌رساند) و تثبیت نرخ میلارد بین پول خود و یکی از ارزهای عمده تجاری (که ریسک تجارت را که ناچار به معامله در آن مشخص می‌شود) می‌بندد و این امر موجب شده است. هرچند که بعضی از مطالعات انجام شده این نوسانات نرخ ارز بی اهمیت تلقی شده‌اند، اما گروه Agyei (۲) در گزارش خود تحت

عملکرد و سیستم فعلی نرخ ارز

در فوریه ۱۹۷۳ که سیستم نرخهای شناور (۱) در سطح جهانی برپا شد، هدف اصلی آن استقرار و با خود همراه داشته. اما در رابطه با عملکرد این سیستم، حداقل چیزی که می‌توان گفت این است که به هیچ وجه رضایت بخشی نبوده و آن آمیخته با انحرافات و بی‌ثباتی نکرده است. در سیستم برتون وودز (Bretton Woods) نرخهای ارز با دخالت مقامات رسمی ثابت نگه‌داشته می‌شوند. این سیستم در اوایل دهه ۱۹۷۰ به دلیل اینکه کشورهای دارای بازار موزانه برادخا مقررات مربوط به آن را زیر پای گذارند از هم پاشید و بجای آن سیستم نرخهای ارز شناور که در آن ارزها می‌نوساند خارج از هرگونه مقررات بین المللی و با دخالت و مداخلت رسمی نوسان یابند چنانچین شد. طرفداران سیستم نرخهای شناور معتقد بودند به نیروی بازار به کمک جریان انتقال سرمایه، نرخهای ارز را در محدوده‌ای که برای دستیابی به موزانه سبهای جاری و کاهش تقاضا برای ذخایر پناه ضروری است، حفظ خواهد نمود. همچنین دست معادلات برزی و در پرداختهای بین المللی، موجب دست بردارند. بطور خلاصه این امیدواری وجود داشت که سیستم نرخهای شناور به روند تعدیل و ثبات برآورد کند خواهد نمود.

تجربه نشان داده که سیستم فعلی «نرخهای شناور بدون ساختار» برخلاف انتظارات طرفداران این سیستم، نتوانست بسیاری را در نرخهای ارز به وجود آورد است. بزرگترین نقص سیستم نرخهای شناور این است که در این سیستم، نرخهای ارز خارج از مسیر مشخصی نوسان می‌یابند و در شرایط این انحرافات و عدم تعادلی ناشی از شرایط اقتصادی حاکم می‌باشد. شواهد عمده نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۳ به بعد، نرخهای ارز واقعی و نسبی نوسانات زیادی در مقایسه با دوره قبل از سال ۱۹۷۱ داشته‌اند. سالیهای که سیستم نرخهای ثابت حاکم بود و نوسانات

هماهنگی سیاستها و نظارت بر آنها (Surveillance and policy coordination)

چنین شخص‌هایی می‌توانند در نمایان ساختن ضرورت و بحث و بررسی کشیدن سیاست‌های اقتصادی کشورها کمک نمایند.
هچنین به منظور فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای شناختن و ارزیابی عوارض سیاستها و اهداف کشورهای عمده صنعتی بر اقتصاد بین‌المللی و همچنین برای نفوذ آسانتری که اشخاص جهان ازایش حاصل می‌کنند و سیاستهای کشورهای عمده صورت گرفته، در دورنمای اقتصاد جهانی به (World Economic Outlook) باید توجه داشته باشید. سیاستهای اقتصادی نامشکلی کشورهای صنعتی گروه، مشاهده گردد. ^{۱۱} تا ^{۱۲} تاکید داشته‌اند. اما اصل نظارت چند جانبه باید نظارت نامزد اقتصاد مورد توجه قرار گیرد. این گروه در برنامه‌ها عملی تعهد پذیر شده و خود پیشنهاد نمود که مسئله نظارت بر سیاستهای اقتصادی کشورها باید شامل دو مرحله کلان‌میزان نظارت چند جانبه و مذاکرات دو جانبه (آماده) باشند.

سیستم صندوق بین‌المللی پول
سیستمین اقتصادی شدیداً وابسته‌ای هستند تحمیلی می‌کنند درحالی‌که دو مزایای مازاد و مزایای پرداخته‌شده اجازه داده می‌شود مشکلات خود را به دیگر کشورهای جهان منتقل کنند.

در روشی می‌تواند نقش نظارتی صندوق را مؤثرتر کرده و به ایجاد هماهنگی بیشتر در سیاستها کمک نماید. علاوه بر این، رژیم اعمال نظارت موزن بر سیاستهای کشورهای صنعتی، جالب توجه است که در کتابی که اخیراً از طرف صندوق و موسسه توسعه معیارها، بنابر نام: «Overseas Development Institute» منتشر یافته، پیشنهاداتی در رابطه با کاهش عدم تقارن موجود در رابطه صندوق با افزایش سطح گسترده است. این پیشنهادات از یک طرف شامل کاهش شرطهای وامهای صندوق به کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر شامل اعمال افزایش و محدودیت‌هایی برای کشورهای دارای مازاد مزایای پرداخته‌شده است که سیاستهای اقتصادی خود را بدون توجه به اثرات آن بر دیگر کشورهای جهان اتخاذ نمی‌نمایند.

در این زمینه، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

برای عملکرد صحیح سیستم پولی بین‌المللی باید مکانیسمی ایجاد نمود که از طریق آن ذخایر و اعتبارات بطور موزن و عادلانه در اختیار متقاضیان قرار گرفته و قابل تبدیل شدن می‌باشد. این مکانیسم باید در صورتی باشد که در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

شماره هفتم - صفحه ۲۲

عده توجه به ایجاد هماهنگی‌های لازم در سیاستهای کشورها را می‌تواند صرف عمده سیستم پولی حاضر دانست. صندوق بین‌المللی پول (IMF) همواره بعد از دومین صندوق عمده، ^{۱۳} ایستاده آن نظارت موزنی بر سیاستهای ترخ ارز آنهاست. ساختن نهادهای شورای معیار جهانی، ^{۱۴} به منظور انجام این طرح بزرگ بزرگ در حال اجرا، کمک‌های تکنیکل گردید. کمینه سنوات ^{۱۵} نیز که در حال حاضر به علایق نامعدوم می‌نماید، به عنوان یک نهاد هماهنگ کننده سیاستهای پولی کشورها درنظر گرفته نشد. موزنی ایلی نماید، نتیجه آن امر چنین بود که שלא در نوع هماهنگی کشورهای گروه پنجم ^{۱۶} ضروری تشخیص داده‌اند. در שלא گروه‌های نامی آنها صورت گرفته است نه در چهارپوچوب شکلیات تصویب، و کمینه سنوات نیز که در این رابطه انجام داده، ثبت و می‌گیرد. این تصمیمات بوده است. این وضعیت برای کشورهای در حال توسعه که عوارض نامشمارانه نادیده گرفته شده بسیار نامطلوب است زیرا مسائل مربوط به توسعه اقتصادی به ندرت در گروه‌های اقتصادی صنعتی مطرح می‌شود و علاوه بر سیاستهای کوتاه مدت کشورهای عمده صنعتی فوراً غایب بوده است.

نظارت بر سیاستهای اقتصادی کشورهای برای عملکرد صحیح سیستم پولی بین‌المللی امری حائز اهمیت است. این مورد در عمل، نظارت صندوق بر سیاستهای کشورهای عمده صنعتی بسیار دقیق بوده، بطوریکه این کشورها غالباً بدون توجه به اثرات منفی سیاستهای داخلی خود بر دیگر کشورهای جهان چنین سیاستهایی را اتخاذ نمی‌کنند. از طرف دیگر، صندوق میسرانی اقتصادی شدیداً را به کشورهای که مقادیری دریافت وامهای هستند تحمیلی می‌نماید، در حالی‌که در سیاستهای اقتصادی قوی که دارای مازاد مزایای پرداخته‌شده اجازه داده می‌شود مشکلات خود را به دیگر کشورهای جهان منتقل کنند.

علاوه بر این، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

علاوه بر این، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

برای عملکرد صحیح سیستم پولی بین‌المللی باید مکانیسمی ایجاد نمود که از طریق آن ذخایر و اعتبارات بطور موزن و عادلانه در اختیار متقاضیان قرار گرفته و قابل تبدیل شدن می‌باشد. این مکانیسم باید در صورتی باشد که در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

شماره هفتم - صفحه ۲۲

علاوه بر این، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

علاوه بر این، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

علاوه بر این، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

علاوه بر این، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

علاوه بر این، در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. در این زمینه، مشارکت صندوق در اصل نظارتی موزن کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود. رابطه بین کشورهای در حال توسعه و افزایش درآمد آنها در این زمینه، از طریق ایجاد یک فرآیند از میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، به‌تکلیف، به‌طور متوازن بود.

شماره هفتم - صفحه ۲۲

سیاست اقتصادی

خصوصی، باشد این مسأله می تواند موجب آن شود که با ماندن دهه ۱۹۷۰ بدون انجام هرگونه تعدیلات اقتصادی منابع مالی زیادی در گردش باشد و با حساسیت زمان حاضری تعدیلات اقتصادی تصمیم در حالیکه کسبه منابع مالی شدیداً احساس می شود، تولید شود.

مشکلی اصلی که در رابطه با اتکالی به بانک پول ملی ایران ایجاد نقدینگی به وجود می آید، در مطامع Triffin یعنی شتاب داده شده است. اولی نشان داده در صورتی که امریکا سعی نماید کسری موازنه پرداختهای خود را اصلاح نماید دنیا با کسره نقدینگی شدید و نهایتاً رکود اقتصادی مواجه خواهد بود و اگر این کسری موازنه پرداختها ادامه داشته باشد به دور با زود افتاده به دلار کاهش می یابد.

سیستم ذخایر بین المللی یکی از ابزارهای ضروری سیستم پول بین المللی است، قابل اجرا بودن یک سیاست پولی بین المللی و یا بانک سیاست تعدیل حجمی بین المللی به توانایی مدیریت بین المللی در کسری بودجه و توزیع نقدینگی بین المللی بستگی خواهد داشت.

در این رابطه، در سیستم برابن روزها، حجم ذخایر براساس مسأله عرضه و تقاضای تعیین می شود، که این معیار بسیار محدودی برای تعیین منابع مالی به شمار می آید با توجه به عدم موازنه پرداختهای کشورهای که مستحقه اصلی هدف های ۷ و ۸ می باشد، بانک سیستم ذخایر مبنی بر همهجای بسیار محدود بوده و نمی تواند در ارتباط با نیازهای سیستم باشد بخصوص که افزایش این

توازن مسأله در پرداختهای امریکا با یکبارگی در سال در عدم تأمین امریکا به یکبارگی تسهیلاتی از ماه سوم سالنامه صندوق در سیاست نرخ ارز خود کاملاً مشخصه است. سیاست نرخ ارز امریکا سیاست عدم مداخله دولت در تعیین نرخ ارز - که موجب افزایش زیاده از حد قیمت دلار گردیده نشان دهنده تقاضای است که در سیستم ذخایر مبنی بر چند روز بروز می نماید.

اگر چه بایدیم که میزان رشد نقدینگی در خارج از سیستم پولی رسمی و توسط کشورهای که دارای ارزهای غنچه شده بوده و سیاستهای جذب نقدینگی اصلی می نمایند تعیین می گردد، مفهوم واقعی افزایش بدون کنترل نقدینگی را بهتر می توانیم در تاریخ به عنوان مثال، ارزیابی نتایج سیاست سالهای ۸۱-۸۰ تا ۱۹۷۱ معادل ۱۶۵ میلیارد دلار پرداخت مشخصه است. از بقیه دنیا فرض نموده، و ۶۸ درصد کل ذخایر ارزی را تحت سرمایه گذاری امریکا، دیگران دیگر بواسطه کاهش دست است. در سیستم ذخایر بین المللی، امریکا تأمین معادل دلاری ۱۶۵ میلیارد SDR می شود، دوره پانزده ماهه فوق جذب نماید می سالهای ۸۲ و ۸۳، ۸۵ جریان سرمایه به داخل امریکا به رقم نجومی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار رسید، این کسره بهره برداری از ذخایر بین المللی - که اختلاف محسوس منابع از کشورهای در حال توسعه به بانک کشور توسعه یافته می باشد - به هیچ وجه قابل توجه نیست برای تعدیل اقتصادی مقررات ضروری است که امریکا با کاهش کسری موازنه

رسیدن به این هدف خود سیستم از اقدامات لازم جهت اصلاح سیستم را تشکیل می دهد.

سیستم مالی -

توانایی سیستمهای بین المللی در تجهیز مسازاد بی اعزازی بین المللی در دهه ۷۰ و ۸۰ و کسرت توزیع آن ناشی از یوپی و مهارت سیستم بوده، اما با گذشتن تاگهای سیستم پولی، خصوصیات جدید آن باعث تشدید ناآرامی و ایجاد نارسایی در توزیع و کارایی منابع مالی شد. بروز ناآرامی در سیستم مالی بین المللی ناشی از عوامل زیادی است اما سیستم پولی رسمی را می توان تا حدی از این بابت معاف دانست.

بطور مثال باگیری چنین سیستم گسوده‌ای، ناشی از عدم وجود ابزارهای پولی رسمی برای جذب مازاد بی اعزازی بین المللی و یکبارگی آنها بطور مؤثر در قابلیت‌های مالی بوده است. البته هدف از تشکیل دو تسهیلات (Oil Facilities) و تسهیلات مالی تکنیکی (Supplementary Financing) جهت تأمین مالی سیستم منابع به کاتالوگهای رسمی و توزیع آن از این طریق بود. ولی حجم منابعی که از طریق این تسهیلات توزیع شد بسیار محدود بود، به طوری که در دهه ۷۰، انتقال منابع از کاتال بانکهای تجاری وجه غالبی می بود. از این طریق حجم طلبی از نقدینگی به صورت غیرمستقیم توزیع شد، در حالیکه تنها معیار حاکم در

✱ از آنجا که بخش کوچکی از جریان بین المللی سرمایه در رابطه با کشورهای در حال توسعه است، طبیعتاً نفوذ این کشورها در سیستم مالی بسیار محدود می باشد.

✱ در صورتیکه امریکا سعی کند کسری موازنه پرداختهای خود را اصلاح نماید، دنیا با کمبود نقدینگی شدید و نهایتاً رکود اقتصادی مواجه خواهد شد.

✱ هرگاه هماهنگ سازی سیاستهای پولی کشورها، عملاً هزنوع هماهنگی که خواست گروه پنج باشد درگردهمایی های صندوق بین المللی پول برقرار می یی گیری می شود.

اصطلاحی وام، اعتبار وام گردیدگان نژد بانکهای خصوصی بود. علی رده خود عدم موازنه پرداختهای گسوده، تعداد کمی از کشورها برای تعیین کسری موازنه پرداختهایشان به صندوق مراجعه نمودند.

در نتیجه، سیستم پولی رسمی عملاً نتوانست تأثیر چندانی بر جریان تعدیل اقتصاد جهانی داشته باشد، بواسطه عدم کفایت منابع مالی، صندوق در موقعیتی بود که حتی بتواند نقش حزی بانک مرکزی را که در برابری با سیستم برای ایجاد بروز نارسایی در بازار و با اختلالات مالی بود، ایفا نماید. تحریر مالی سالهای ۸۳، ۸۴، این عدم توانایی سیستم را کاملاً نشان ساخت. کسری موقت در اعلامیه مقرراتی آوریل ۸۶ بود بر نقش موقت SDR در عنوان توزیع در برابر نارساییها و وقایع غیرمنتظره، لاکه نمود است.

پرداختهایش، جذب زیاده از حد ذخایر بین المللی را متوقف نماید.

باز گردید به SDR که یکی از ابزارهای تشکیل دهنده ذخایر رسمی است، زیرا به خصوص در خصوصیات و قابلیت استفاده از SDR و خصوصاً در رابطه با نرخ بهره آن اصلاحاتی انجام گرفته تا از این طریق SDR جذابیت بیشتری به عنوان بانک دارای ذخیره سرمایه‌های امن این اصلاحات آنقدر که بتواند استفاده از SDR را که در حال حاضر بسیار محدود است، گسترده کند. دوره SDR، رسمی فقط در اختیار سازمانهای رسمی معینی جهت داشتن حساب رسمی نژد صندوق قرار می گیرد، قبول SDR فقط براساس توافق بوده و بدون نیاز به باریکی آن SDR را نمی توان در بازارهای خصوصی معامله نمود، خصوصیت آن به عنوان بانک پول بین المللی ناشی از عدم گردش و باز خرید آن است. به طوری که ضروری است که نشش SDR به عنوان بانک دارای ذخیره قابل معامله در بازار و بانک واحد حسابداری در معاملات خصوصی تلقیت شود.

سیسماها نیز دیال مذاکرات سیاسی طرفی بین کشورهای عمده انجام گرفت، در ارتباط با وضعیت بودجه کشورها می باشد و نه نیازهای سیستم به نقدینگی بیشتر. علاوه بر هر دور افزایش سهمیه‌های صندوق، افزایش سهمیه امریکا در حساب بالابین سهمیه در صندوق - باید به تصویب نگردد این کشور برسد و معمولاً به صورت طرح و تصویب این مسأله در انگه امریکا سیاسی طرفی و کهنه است. در آخرین دور افزایش سهمیه‌های صندوق، اقدامات قانونی لازم جهت تصویب افزایش سهمیه امریکا، به کندی بسیار صورت گرفت. نشان داد که عملاً نیازهای کل سیستم می تواند در گرو تصویب گریه‌های داخلی امریکا قرار گیرد. نهایتاً در طی سالهای گذشته، افزایش سهمیه‌های صندوق در تانسیت با حجم تجارت جهانی که می توانست خصوصیت اساسی منابع صندوق را حفظ نماید انجام نگرفت. از اینرو، مافیت منابع صندوق تغییر نموده است. بطوریکه تقریباً بخش یک مشروط منابع صندوق است و بخش مشروط آن افزایش یافته است. ثالثاً، انبساط شدید نقدینگی بین المللی خارج سازمانهای پولی رسمی گردیده است. اشکالی روز افزون به بانکهای تجاری جهت تعیین مالی طی دهه ۷۰ و همچنین عدم تأمین صندوق، در مذاکرات - در تقاضای اقتصاد کشورها گویای این مطلب است و نهایتاً افزایش اعتبارات بانکهای تجاری بدون نشان کسریه منابع مالی رسمی و فقط برای کشورهایی که برابن وامها دسترسی داشتند. جریان رسمی اما این رقم قیمت بازار برای رشد نقدینگی اقتصادی واقعی و افزایش غیر قابل تحمل بدهیهای خارجی انجام گرفت.

از آنجایی که بخش کوچکی از جریان بین المللی سرمایه در رابطه با کشورهای در حال توسعه است، طبیعتاً نفوذ این کشورها در سیستم مالی بسیار محدود می باشد.

این کشورها باید از فرصتهای که در سیستم مالی بین المللی پیش می آید بهره مندین بطور مثال در دهه ۷۰ بانکهای تجاری با توجه به سیاستهای موجوده در حال خالی شدن از سرمایه در حال توسعه بودند و در این دوران علاوه بر کمبود اعتبارات به روشهای معمول، یعنی اعتبارات صادراتی و وامهای کوتاه مدت، بانکهای خصوصی صرفت منبع اصلی تأمین منابع متعادل مالی لازم برای رفع مشکلات موازنه پرداختها درآمدند. سهم بانکهای خصوصی در منابع اعتباری یافته به شیوه سالیانه در حال توسعه در زمان اوج این انتقال منابع، یعنی سال ۱۹۸۱، بالغ بر ۵۸ درصد بود در حالیکه در سال ۱۹۷۲ سهم آنها فقط ۲۹ درصد بود است.

باگیری بانک سیستم ذخایر مبنی بر چند نوع ارز، موجب وقف در گذشتن کاربرد SDR شده است. این امر موجب تأیید تصور شود که ضرورت ایجاد بانک دارای ذخیره اعتباری قابل کنترل بطور کلی از این رفته است و صندوق و اعتبارات سایر جهت افزایش تأمین SDR قابل دسترسی بدون آن برای موسسات خصوصی تلاش نمایند تا کنترل بیشتر تلاش صندوق و دیگر دست اندرکاران در جهت تعیین جایگزین SDR به عنوان واحد پولی حفظ ارزش بوده است. حال آنکه اگر بتوان جذابیت آن را به عنوان وسیله مبادله از طریق مربوطه کردن SDR و رسمی و همچنین افزایش داد، می تواند نقش مهمتری را ایفا نماید.

سهم SDR به صورت واحد عمده در ایجاد کاربرد نقدینگی SDR در آید چنین اقداماتی می تواند حساسی بر طرف نهادین تبدیل شود، دارای ذخیره اصلی را تسهیل نموده و همچنین اعتبارات را از نارساییهای ناشی از سیستم ذخایر مبنی بر چند ارزی هشتاد با تحصیل مداوم SDR گسترش کاربرد آن SDR را می توان زمانه گسوداند. سایر

تجاری بودند. با کسری این نوع اعتبارات در اوایل دهه ۸۰، به ناپار و به عنوان دست دراز نموده و محور و به نظریه‌های تعدیلات اقتصادی انباشتی شدید به شدت باخروج ثبات و تعادل در کل سیستم مشخصی و وضعیت مستحکم پرداختهای امریکا بستگی داشت. در حالیکه موجوده بودن نقدینگی دلار، بستگی به عدم

اضطراری، منابع مالی نسبتاً محدودی به کشورهای درحال توسعه انتقال یافته و هزینه سنگین بهره بدهیهای این کشورها پایدار محل مازاد تجارت تأمین گردد.

به دنبال کاهش قیمت نفت، مازاد سوازنه پراختیهای کشورهای عضو اوپک کاهش یافته و در بعضی از این کشورها کاملاً ناپدید شده است.

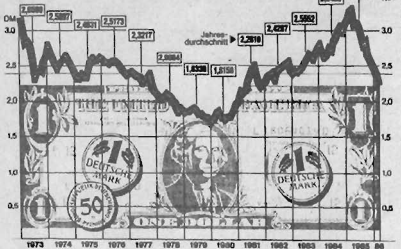
رسیده است. در حالی که پرداخت بهره این بدهیها خود موافقت شدید بجزان گردیده است بیشتر این وامها و اعتبارات براساس نرخهای شایع و با درودهای کوتاه مدت که در پایان هر دوره نرخ بهره تجدید نظر فرامی گزیند پرداخت شده بودند در نتیجه، وام گذرانگهان همواره در معرض حذف ناخوشایق از تقصیرات نرخهای بهره که غالباً نیز غیرمنصفانه بودند قرار داشتند. بعد از اینکه بانکها در سیاستهای وام دهی خود تجدید نظر نمودند و از حجم وامهای خود کاستند، دولتهای عمده و سازمانهای بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول به منظور جلوگیری از پدید آمدن بحرانهای خارجی، در تلاش شدند تا تحت نظارت صندوق بین المللی پول، بانکها و صندوق توپالهایی جهت تجدید برنامه بازپرداخت وامها صورت گیرد. ضمن اینکه کشورهای بدهکار تسهیل نموده، اما هنوز باز نماندند برای مسأله بدهیهای خارجی کشورها در دسترس نیست اقدامات اخیر خود موجب پیچیده تر شدن مشکلات کشورهای در حال توسعه گردیده است اول اینکه شرایط اقتصادی جهانی در سال ۱۹۸۵ بهتر از آنچه که پیش بینی می شد بود. رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته کاهش یافته و این خود موجب محدودتر شدن امکانات صادراتی کشورهای در حال توسعه شده بود. از طرف دیگر، کاهش قابل ملاحظه در قیمت کالاهای کالاهای نفتی و غیر نفتی - مشکلات کشورهای بدهکار را تشدید نموده. زیرا این مسئله باعث شده که در آمد صادراتی این کشورها - که برای رشد اقتصادی و بازپرداخت اصل و فرع بدهیهایشان شدیدا به آن نیازمند هستند - کاهش یابد. در همین حال نرخهای بهره واقعی برای این کشورها به همان بالا بوده و سیاستهای حمایتی تجاری protectionism کشورهای صنعتی ثروتمانی این کشورها را در باز پرداخت بدهیهایشان محدودتر می نماید. طبقا در سال ۱۹۸۲ نسبت جدید افزایش درآمد صادراتی، چنانچه صرف گسترش واردات شود، صرف پرداخت اقسالی سنگین خارجی خواهد بود. اگر نقد زیر نشان دهنده اوضاع معکوس سرمایه می باشد، برای کشورهای وارد کننده سرمایه، مازاد تجارت و ضمانت خیر سرمایه در طی سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۲۳ میلیارد دلار بود در حالی که خالص بهره برداری توسط این کشورها در طی همین سال بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار بوده که به ۱۱ میلیارد دلار دیگر بابت سود سهام اختصاص می شود.

وامهای جمعی برای کشورهای بدهکاری که برنامه های سخت تعدیل اقتصادی را اجرا نموده اند نیز با تأخیر بسیار صورت گرفته است.

به منظور جلب حمایت و مشارکت بیشتر بانکهای تجاری در حل این معضلات، بانجهای سازماندهی برنامه های تری ایجاد گردد. باید آنها را تأمین نمود که ادامه وام دهی به کشورهای در حال توسعه در جهت منابع خود آنها نیز هست. شرایط ایجاد می نماید که بانکها سررسید وامها را تسدید و مدت بازپرداخت آنها را طولانی تر نموده و بهره ها را کاهش دهد. در واقع در سال ۱۹۸۲، بانکها با اقدامات (V.I) بانکها با اقدامات دولتت خود، از آن جهت برای موارد مشخصی اعلام داشتند. معذرت نماید مشکلات و گرفتاریهای مربوط به فراهم آوردن سرمایه مورد نیاز از منابع مختلف را تأکید کرده است.

دولتهای در حال توسعه علاقه نشان میدهند که در صورت امکان، در کنار رشد و ترویج عادلانه تکنیکهای مخصوص برای کشورهای در حال توسعه همچنان نیز، و نیز نظیر هم رسد به دنبال توسعه نقش بازار سرمایه در کشورهای در حال توسعه است. این کشورها نیاز دارند که بخشی از این کشورهای کم درآمد ایجاد گشته است. سپس می شود که در طی سالهای باقی مانده از این دهه تکنیکهای رسمی توسعه (ODA) کشورهای عضو کمیسیون همکاری توسعه (OECD) از رشد واقعی معادل ۲ درصد در سال و رشد بودار خواهد بود. در حالی که این کشورها در سال ۷۰ رشدی معادل ۶ درصد در طی سه دهه ۶۰ رشدی معادل ۲ درصد داشته است. منابع انتقال یافته از طریق صندوق بین المللی پول (IMF) بالغ بر ۱۵۶ میلیارد دلار بوده که خیلی کمتر از منابع انتقال یافته در سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۲۳۶ میلیارد (SDR) می باشد و احتمالاً این کاهش ادامه خواهد داشت. به همین ترتیب برآورده شده توانایی کشورهای کم آمد در مورد مقیدین دور افزایش منابع مصرف توسعه کنند (IDA) و بهرطور نسبتاً سر کم کشورهای توسعه نیافته است. افزایش آتی سرمایه بانک جهانی، خالص منابع انتقال یافته از طریق بانک جهانی نیز در سالهای اخیر کاهش یافته است.

از طرف دیگر برپایه بی اعتمادی که نسبت به وضعیت اقتصاد جهانی احساس می شود، سرمایه گذاری مستقیم خارجی شدیدا کاهش یافته و مسلماً مدت زمانی طول کشد تا دوباره به وضعیت عادی باز گردد. انتقال منابع مالی رسمی به همراه کاهش شدید در منابعی که از طرف بازارهای خصوصی سرمایه دولتی و بانکهای در حال توسعه فرامی گزیند، ایجاد می نماید که در راهیهای جدیدی جهت فراهم نمودن منابع مالی برای انجام تعهدات اقتصادی و کمک به توسعه صنعتی خود در حال حین مستم بر روی رسمی در جهت تسهیل شرکت می کند. اما نقش این مؤسسات بین المللی، بانکهای تجاری و دولتها در فراهم نمودن منابع مالی مورد نیاز، مسأله قابل توجهی در امر اصلاح سیستم است.



دورنمای میان مدت دسترسی کشورهای درحال توسعه به بازارهای سرمایه

دورنمای دسترسی کشورهای درحال توسعه به بازارهای سرمایه در میان مدت همچنان نامعلوم می باشد و این وضعیت، تا توسعه به افزایش بی اعتمادی نسبت به شرایط اقتصاد جهانی و تصفیه موقعیت کشورهای درحال توسعه ادامه خواهد داشت. تجارب گذشته نشان داده که تغییرات قابل ملاحظه در شرایط اقتصادی و وامهای تجاری صورت گرفته و کاهش تأمینهای کشورهای در باز پرداخت بدهیهایشان عکس العملهای شدیدی به دنبال داشته است. توانایی کشورهای در بازپرداخت بدهیهایشان علاوه بر دیگر عوامل، در ارتباط با وضعیت صادرات آنها نتیجه می شود. در حالی که در این رابطه، نتایج سال ۱۹۸۵ نشان می دهد که علی رقم بهبود وضعیت موازنه پرداختیهای دولتی از کشورهای درحال توسعه که تغییرات سنگین دارند - در نتیجه افزایش وامهای تجاری و تسهیل در ریاضت اقتصادی شدید - حجم امپای تجاری به این کشورها افزایش یافته است. در واقع امارات و ارقام مربوط به وامهای بانکهای تجاری به کشورهای در حال توسعه در دوسال اخیر بسیار تا حد کم شده بوده است. نرخ رشد خالص وامهای جدید در سال ۱۹۸۲ فقط ۱۲ درصد و در سال ۱۹۸۵ از این هم کمتر بوده است. این کاهش شدید در وامهای تجاری در سالهای اخیر خود گویای این واقعیت است که بانکهای تجاری منبع مالی قابل اعتمادی نمی باشد.

به اعتقاد کشورهای صنعتی، دستیابی به منابع بازارهای سرمایه بین المللی و ادامه جریان انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه بستگی به اعتبار این کشورها در باز پرداخت بدهیهایشان دارد. اعتبار کشورها نیز با توجه به اجرای برنامه های تعدیل اقتصادی توصیه شده نتیجه می شود. برای اصلاح نعره فعالیت بازارهای مالی، بازارهای سرمایه نشان این است که باید مقررات حاکم بر بازارهای سرمایه تسهیل شود. حرکت سرمایه آزاد و نظارت بر بانکهای که در این بازارها فعالیت دارند تقویت شود. اما این عقاید پیش بر فعالیت بازار، مورد تأیید کشورهای در حال توسعه نمی باشد. آنها به درستی معتقدند که اعتبار کشورها در بازپرداخت بدهیهایشان تنها به انجام تعهدات اقتصادی داخلی بستگی ندارد بلکه تا حد زیادی به سیاستهای تجاری، نرخ ارز و نرخ بهره، کشورهای صنعتی وابسته است. باید بجاظر داشت که توسعه کشورهای صنعتی و صادرات کارکنانشان در حال توسعه را جذب می نماید. براساس باورده کارکنانشان صنوبری بانک توسعه به طور تولید ناخالص ملی (GND) کشورهای صنعتی، به غیر متوسط می تواند تقریبی معادل ۳/۵ درصد در میان جهت

با توجه به افزایش بی اعتدالی نسبت به شرایط اقتصاد جهانی و تضعیف موقعیت کشورهای درحال توسعه.
دورنمای دسترسی کشورهای درحال توسعه به بازارهای سرمایه در میان مدت همچنان نامعلوم است.

به اعتقاد کشورهای صنعتی، دستیابی به منابع بازارهای بین المللی سرمایه بین المللی و ادامه جریان انتقال سرمایه به کشورهای درحال توسعه، بستگی به اعتبار این کشورها در بازپرداخت بدهی هایشان دارد.

بنابراین تشکیل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در فاصله بین روز دوازدهم در سال ۱۹۴۵ پایه گذاری گردید و مشخصه اصلی آن نفعی ثابت ارز است.
Executive Council
Effective Exchange Rates
 توضیح مختصر: در سال ۱۹۷۷، که از کشورهای در حال توسعه تشکیل گردیده در اجلاس سال ۱۹۷۷، خود گروهی تحت عنوان گروه ۲۲ یا دگرگو بین المللی (G22) (Intergovernmental Group of 22) را تشکیل دادند این گروه متشکل از ۲۲ کشور در حال توسعه، ۸ کشور از سه منطقه آسیا، افریقا و آمریکای لاتین، نامور برزیل، سوئیس مختلف سیستم پولی بین المللی و گروه منابع اقتصادی مشترک منطقه ۱۹۷۷، در پی راهپیمایی برای بین المللی می باشد تلاشهای این گروه سواره بر سر ارائه پیشنهادات جهت اصلاح سیستم پولی بین المللی گردیده است. جمهوری اسلامی ایران یکی از اعضای گروه ۲۲ می باشد.

۱- در روش های تضمینی نیز فقط ۵/۸ درصد است. سندهای با برهه های شناور (FRN - Floating Rate Notes) و سردهای متغیر بر نرخهای شناور و Swap روشهای جدیدی است که بانکها در رابطه با بعضی از مقایضات استقراض بانک می برند. تاکنون کشورهای درحال توسعه دولتهای چکانی در این روشها و برنامه های جدید بازارهای بین المللی سرمایه نداشته اند و بعد به نظر می رسد که این بین زمان محدودتهای که در میزان وامهای اضافی پیش خصوصی به کشورهای درحال توسعه، توسط بانکهای تجاری تحصیل شده کاهش یابد در مورد بیشتر کشورهای درحال توسعه حتی آنها که میزانه بازپرداختشان بهبود قابل ملاحظه ای داشته اند، چنین نشده است. در نتیجه برهان انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه مالی که شدیداً بدان نیازمندند، کاملاً نامناسب به نظر می آید.

۲- در نتیجه برهان انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه و ابعاد روشهای جدید در بازارهای مالی مشکلات و ریسکهای سیستم پولی جهان را افزایش داده و می تواند برهان انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه را نیز تشدید نماید. این موضوع یکی از کشورهای در حال توسعه بسیار بزرگ آن گشته است. ریسکها و مسائل ناشی از گسترش شیوع این تاواریها با بودجه مطلعانه گردید. ریسکهای سیستمی که در آمریکا ابعاد گردید اولی به انگلستان و سپس به بازارهای سرمایه ژاپن و اروپا سرایت نمود. این تاواریها روشهای جدیدی را ارائه می دهد که از ارزیابی دقیق این ضرورتها، زیرا ممکن است مشکلات ناشی از دگرگونیهای که با به کارگیری این تکنیکهای جدید بوجود می آید، نهایتاً بر دوش کشورهای درحال توسعه افتد.

۳- یکی دیگر از مسائل مربوط به بدهی های کشورهای در حال توسعه که باید در نظر داشت، ارتباط بین نرخ بهره و نرخ رشد بدهیهای ناشی از خالص وامهای جدید بانک است. اگر در دو کشور نرخ بهره افزایش یابد، احتمال معکوس صنایع است. بطور مثال اگر وامهای جدید انتقال سالیانه برابر ۶۶ درصد باشد (۱۰۷ درصد بدهیهای انتقال شده) و نرخ بهره برابر ۱۱ درصد باشد، احتمال معکوس صنایع از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته از مبلغ ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به مبلغ ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ خواهد رسید. ارقام این انتقال معکوس صنایع از کشورهای در حال توسعه به بانکهای بی نامرد انگلیسی و ریاضت اقتصادی روسی کشورهای دیگر، همچنین تأمین این انتقال معکوس احتیاج به مازاد تجارت بیشتری است. ارائه تسهیلات مالی به کشورهای در حال توسعه به طور نامناسب و سرشمسند کمک زیادی در آنها نمی نماید. برای انجام عملیات اقتصادی لازم، این کشورها احتیاج به منابع مالی خودیوش و مستخدم دارند. معذرت از زمان برآورد این نوع کمکها، برای اینکه اثرات منفی انتقال معکوس سرمایه را به حداقل رساند، باید حجم کمکهای رسمی افزایش یافته و با ربحهای غیره کاهش یابد تا این حد، حمایت بانکهای تجاری از تلاشهای سرمایه در حال توسعه در اجرای برنامه های تعدیل اقتصادی، بر مایه نتایج رسیدن این تلاشها ضروری است.

۴- در زمان ساختاری کشورهای درحال توسعه ایجاد نماید. در هر تریب، اهداف سیستم بانکی بین المللی معین، به هدف منی باشد. یکی اصلاح برنامه وامها و کاهش ریسکهای مرتبط با دریافتها و دوم تضمین از توانایی بانکداران بازپرداخت بدهیهاست. هدف اول کاهش وامهای سیستم بانکی، ایجاد ریسکهای ضروری است. این دستبندی به هدف دوم افزایش وامها ضروری است. این هدف از طریق افزایش ریسکها و مشارکهای که مرتبط با هر اهرق است، موجب ایجاد تکنیکهای جدید بانکی گردیده است. قابل توجه ترین نتیجه این تحولات اضافی وامهای اضطراری به کشورهای بدهکار دوله است. همچنین این تحولات صندوق را در مرکز ملاکات در رابطه با بدهیها قرار داده است. اما از طریق این وامهای اضطراری، منابع مالی نسبتاً محدودی به کشورهای در حال توسعه انتقال یافته و هزینه سنگین بهره بدهیهای این کشورها باید از محل مازاد تجارت تأمین برای پرداخت بدهیهای این وامهای اضطراری باشد. هزینه بدهیهای این وامها در برزای ۵/۵ تا ۵/۱۰ درصد برای کل وامهای جدید می باشد. این نشانگر عدم کلیات وامهای اضافی به این کشورها می باشد.

۵- در کنار این وامهای اضطراری، تحولات دیگری نیز در سلسله روشهای اجرائی سیستم بانکی به منظور مقابله با تکوکل (Default) از طرف کشورهای بدهکار و همچنین اطمینان جهت افزایش بدهی سرمایه بانکها و کاهش وامهای آنها به کشورهای با بدهیهای سنگین انجام گرفته است. در نتیجه این اقدامات رشد وامهای اضافی به این کشورها در طول سال ۱۹۸۵ تقریباً صفر بود. است. از طرف دیگر انتقال منابع همچنان به صورت معکوس یعنی از کشورهای درحال توسعه به کشورهای صنعتی ادامه دارد. در همین حالت فزاینده که در تشکیلات و سازماندهی بازارهای مالی درحال وقوع است، احتمالاً دسترسی کشورهای درحال توسعه را به منابع مالی در درازمدت و میان مدت تحت تأثیر محدودتر قرار خواهد داد. در نیمه دوم ۷۰، وامهای صنعتی سیستمی مستخدمین شروع انتقال منابع به کشورهای در حال توسعه بود. اما کشورهای درحال توسعه و جبران بدهیهای خارجی ضروری و بافت شده که وامهای صنعتیهای جدیداً کاهش یافته و باعث بدتر شدن دست آورد این شرایط نزول بازارهای سرمایه در جهت اصلی، وامهای بلند و متوسط مدت، به کشورهای در حال توسعه افتاد.

۶- تغییر نگرانی دیگری که در بازارهای خصوصی سرمایه مشاهده می شود، رشد فعالیتهاست که با ارضاهای واردات مثل تسهیلات اضافی (Standby Facilities) و درجراک اعتباری وامی مربوط به اجزای پروژه ها، انگیزه بیشتر بر مشارکت بانک جهانی دراز مدت داشته و وامهای جمعی جهت رفع مشکلات مازاد تجارت و پرداخت، در سالهای آخر دهه ۷۰، کمتر به مشکلات می خورد. عملکرد کاهش حجم وامهای سیستمی میان مدت برای کشورهای جاری، در این اواخر در بازارهای بین المللی شروع خواهد کرد. زمانی در این امر می خورد. دستبندی به منابع مالی از طریق افزایش اهرق به کشورهای در حال توسعه، دستبندی به کشورهای توسعه یافته با اقتضای کم و نادر است و سهم کشورهای درحال توسعه در بازار اوراق قرضه هیچگاه از حدود چهار درصد و منابع مالی، دست آمده

۷- در زمان ساختاری کشورهای درحال توسعه ایجاد نماید. در هر تریب، اهداف سیستم بانکی بین المللی معین، به هدف منی باشد. یکی اصلاح برنامه وامها و کاهش ریسکهای مرتبط با دریافتها و دوم تضمین از توانایی بانکداران بازپرداخت بدهیهاست. هدف اول کاهش وامهای سیستم بانکی، ایجاد ریسکهای ضروری است. این دستبندی به هدف دوم افزایش وامها ضروری است. این هدف از طریق افزایش ریسکها و مشارکهای که مرتبط با هر اهرق است، موجب ایجاد تکنیکهای جدید بانکی گردیده است. قابل توجه ترین نتیجه این تحولات اضافی وامهای اضطراری به کشورهای بدهکار دوله است. همچنین این تحولات صندوق را در مرکز ملاکات در رابطه با بدهیها قرار داده است. اما از طریق این وامهای اضطراری، منابع مالی نسبتاً محدودی به کشورهای در حال توسعه انتقال یافته و هزینه سنگین بهره بدهیهای این کشورها باید از محل مازاد تجارت تأمین برای پرداخت بدهیهای این وامهای اضطراری باشد. هزینه بدهیهای این وامها در برزای ۵/۵ تا ۵/۱۰ درصد برای کل وامهای جدید می باشد. این نشانگر عدم کلیات وامهای اضافی به این کشورها می باشد.

۸- در زمان ساختاری کشورهای درحال توسعه ایجاد نماید. در هر تریب، اهداف سیستم بانکی بین المللی معین، به هدف منی باشد. یکی اصلاح برنامه وامها و کاهش ریسکهای مرتبط با دریافتها و دوم تضمین از توانایی بانکداران بازپرداخت بدهیهاست. هدف اول کاهش وامهای سیستم بانکی، ایجاد ریسکهای ضروری است. این دستبندی به هدف دوم افزایش وامها ضروری است. این هدف از طریق افزایش ریسکها و مشارکهای که مرتبط با هر اهرق است، موجب ایجاد تکنیکهای جدید بانکی گردیده است. قابل توجه ترین نتیجه این تحولات اضافی وامهای اضطراری به کشورهای بدهکار دوله است. همچنین این تحولات صندوق را در مرکز ملاکات در رابطه با بدهیها قرار داده است. اما از طریق این وامهای اضطراری، منابع مالی نسبتاً محدودی به کشورهای در حال توسعه انتقال یافته و هزینه سنگین بهره بدهیهای این کشورها باید از محل مازاد تجارت تأمین برای پرداخت بدهیهای این وامهای اضطراری باشد. هزینه بدهیهای این وامها در برزای ۵/۵ تا ۵/۱۰ درصد برای کل وامهای جدید می باشد. این نشانگر عدم کلیات وامهای اضافی به این کشورها می باشد.